



Desirable design and illustration of "explanatory jihad" in contrast with the phenomenon of cognitive warfare based on the thoughts of the supreme leader of the revolution

Ayob nikunahad^{*1} | Mohsen buick²

Abstract

Objective: Cognitive warfare is the fifth generation of wars in the popular political and military literature in the world, where the three main goals are social collapse, structural collapse and territorial collapse, through the two main strategies of destabilization and targeted infiltration, using a set of convergent technologies follow. The solution to confront the cognitive war in the field of social sciences and social psychology is cognitive preparation, cognitive empowerment or cognitive improvement of the citizens of a society and country, which the Supreme Leader of the Revolution, relying on native and Islamic literature, called it "Jihad of Explanation" or "Enlightenment Movement". The purpose of this research is to design and explain the conceptual model of cognitive warfare and the basic model of explanatory jihad in dealing with cognitive warfare. **Method:** The research approach is exploratory and the research method is content analysis using library documents and the statements and guidelines of the Supreme Leader. **Findings:** The findings of the research show that if the explanatory jihad is carried out in a correct and principled way, it can be useful as an effective solution in facing and dealing with the cognitive war in the dimension of cognitive psychology and cognitive sociology and lead to the strengthening of social unity and restoration of public trust. **Conclusion:** After analyzing the concept and presenting a theoretical model of cognitive warfare in the context of a set of converging technologies, an explanation has been made regarding the design of the model and the optimal illustration of the problem of Jihad, taken from the intellectual system of the Supreme Leader of the Revolution, and in the final part of the research, suggestions have been made. And strategic prescriptions regarding dealing with cognitive warfare have been presented at the level of cognitive sociology.

Keywords: cognitive war, future wars, Jihad of Explanation, social unity, desirable illustration.

1. Assistant professor of Khatam al-Anbia Air Defense University of the Army. Tehran, Iran .
anikunahad@gmail.com
2. Assistant professor of Khatam al-Anbia Air Defense University of the Army. Tehran, Iran.
mohsen.b.t89@gmail.com

طراحی و تصویرسازی مطلوب از «جهاد تبیین» در تقابل با پدیده جنگ شناختی مبتنی بر اندیشه‌های رهبری معظم انقلاب

ایوب نیکونهاد^۱ | محسن بیوک^۲

۱

دوره پنجم
بهار ۱۴۰۳
صص: ۳۶-۱۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۷/۲۲
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۱۱/۲۱



چکیده

هدف: جنگ شناختی یا نبرد شناختی، نسل پنجم جنگ‌ها در ادبیات سیاسی و نظامی رایج در دنیا است که سه هدف اصلی فروپاشی اجتماعی، فروپاشی ساختاری و فروپاشی سرزمینی، از طریق دو راهبرد اصلی بی‌ثبات‌سازی و نفوذ به صورت هدفمند، با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از فناوری‌های همگرا دنبال می‌کند. راه‌حل مقابله با جنگ شناختی در حوزه علوم اجتماعی و روان‌شناسی اجتماعی، آمادگی شناختی، توانمندسازی شناختی یا ارتقای شناختی شهروندان یک جامعه و کشور است که رهبری معظم انقلاب با تکیه بر ادبیات بومی و اسلامی از آن تحت عنوان «جهاد تبیین» یا «نهضت روشنگری» تعبیر نموده‌اند. هدف این پژوهش طراحی و تبیین الگوی مفهومی جنگ شناختی تصویرسازی مطلوب از جهاد تبیین در مقابله با جنگ شناختی است. روش: رویکرد پژوهش اکتشافی و روش پژوهش از نوع تحلیل محتوا با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای و بیانات و رهنمودهای مقام معظم رهبری است. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که چنانچه جهاد تبیین به صورت صحیح و اصولی انجام گیرد می‌تواند به‌عنوان یک راهکار اثربخش در مواجهه و مقابله با جنگ شناختی در بعد روان‌شناسی شناختی و جامعه‌شناسی شناختی مفید واقع شود و به تقویت وحدت اجتماعی و بازسازی اعتماد عمومی منجر گردد. نتیجه‌گیری: پس از واکاوی مفهومی و ارائه مدل نظری از جنگ شناختی در بستر مجموعه‌ای از فناوری‌های همگرا، نسبت به طراحی الگو و تصویرسازی مطلوب از مسئله جهاد تبیین برگرفته از منظومه فکری رهبری معظم انقلاب اقدام شده است و در بخش پایانی پژوهش، پیشنهادات و تجویزات راهبردی در خصوص مقابله با جنگ شناختی در سطح جامعه‌شناسی شناختی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: جنگ شناختی، جنگ‌های آینده، جهاد تبیین، وحدت اجتماعی، تصویرسازی مطلوب.

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء(ص) ارتش، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء(ص) ارتش، تهران، ایران.

anikunahad@gmail.com

Mohsen.b.t89@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

جنگ شناختی به‌عنوان نسل پنجم جنگ‌ها دارای مشخصات و ویژگی‌های ویژه و پیچیده‌ای است. هدف اصلی این نسل از جنگ‌ها تخریب و بازسازی ذهن در جهت کنترل آن و ابزار اصلی آن رسانه‌های نوین ارتباطی است که با کارویژه سلاح سازی از اطلاعات در مرحله اول خود به دنبال فروپاشی اجتماعی جوامع هدف است. در واقع جنگ شناختی در هدف‌گیری مخاطبان خود نسبت به دوره‌های قبلی جنگ، دارای شمولیت و فراگیری است و می‌توان گفت که همه افراد یک جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. منطق این نوع از جنگ ایجاب می‌کند که سلطه پایدار بر جغرافیای سرزمینی یک کشور، نیازمند مقدماتی است که از جمله آن‌ها فروپاشی اجتماعی داخل آن کشور از طریق تخریب و دست‌کاری‌های ذهنی مردمان آن کشور است. از این منظر تسلط بر ذهن شهروندان یک جامعه مقدمه تسلط بر جغرافیای آن کشور قلمداد می‌شود. جنگ شناختی باعث می‌شود که مردم یک کشور توانایی خود را در درک مخاطرات کشور و موقعیت و نقش استراتژیک خود، از دست بدهند و سپس نسبت به سرنوشت کشور و ملت بی‌تفاوت شوند و با از بین بردن حافظه فطری فرهنگی و تاریخی مردم منجر به آشفتگی اجتماعی و روانی و «اختلال عصبی» آن‌ها می‌شود که آن‌ها را در برابر بیگانگان و بازیگران «صنعتگر سیاسی»، «غول‌های تولید محتوا»، «آشوب واپایش شده» و «انقلاب‌های رنگی» به شدت آسیب‌پذیر می‌کند.

عموماً کشورها، ملت‌ها و نظام‌های سیاسی که با سیاست‌های نظام سلطه جهانی بر اساس الگوی مرکز-پیرامون همراهی نداشته باشند و در چارچوب یک نظام اخلاقی و زیست معناگرایانه و استقلال‌طلبانه حیات خود را تداوم ببخشند آماج شدیدترین حملات شناختی قرار می‌گیرند تا شهروندان آن جامعه به‌صورت آگاهانه یا ناآگاهانه، نظام سیاسی حاکم بر خود را مجبور سازند تا در چارچوب الگوهای نمادین نظام سلطه حرکت کنند. نظام سلطه پس از ناکامی در اجرای راهبردی‌های سخت‌افزاری خود در مواجهه با انقلاب اسلامی از بعد از جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، الگوی مواجهه خود را با جمهوری اسلامی ایران تغییر داده و دکتربین‌ها، راهبردها و

تاکتیک‌های خود را بر اساس مقابله با الگوی نرم‌افزاری انقلاب اسلامی منطبق بر الگوهای شناختی بازتعریف کرده است. در مقابل رهبری معظم انقلاب با دیده‌بانی و رصد آرایش دشمن در مقابل انقلاب اسلامی، در ادوار مختلف با گفتمان‌سازی هوشمندانه و رواج آن‌ها نسبت به خنثی‌سازی این تاکتیک‌های دشمن اقدام نموده‌اند. طرح ادبیات شیخون فرهنگی، تهاجم فرهنگی، جنگ نرم، جنگ رسانه‌ای، جنگ اقتصادی، جنگ ترکیبی و... در ادبیات ایشان، از نمونه‌ها و مصداق‌های عینی گفتمان‌سازی در مقابله با هجمه همه‌جانبه نظام سلطه بوده است. به همین جهت یکی از راهکارهای مقابله با جنگ شناختی در حوزه جامعه‌شناسی شناختی و روان‌شناسی شناختی، از منظری رهبری معظم انقلاب مقوله «جهاد تبیین» است؛ از این رو پژوهش پیش رو در پی پاسخگویی به این پرسش‌هاست که اولاً: الگوی مفهومی جنگ شناختی در بعد جامعه‌شناسی شناختی و روان‌شناسی شناختی مبتنی بر ادبیات نظری پژوهش دارای چه ابعاد و مؤلفه‌هایی است و در ثانی الگوی مطلوب جهاد تبیین به‌عنوان آنتی‌تز جنگ شناختی برگرفته از اندیشه‌های رهبری معظم انقلاب چگونه قابل ترسیم است؟

اهمیت اقامه جهاد تبیین به‌عنوان خنثی‌کننده جنگ شناختی از آن جهت است که به بازسازی سرمایه اجتماعی یک جامعه، فراهم شدن باب گفتگو و تعامل سازنده بین افراد آن جامعه فارغ از هرگونه سلیقه و دیدگاه سیاسی، نزدیک شدن دیدگاه‌های افراد به یکدیگر، تقویت هویت ملی و جلوگیری از گسست اجتماعی، تبیین خدمات و دستاوردهای نظام سیاسی و... کمک شایانی خواهد کرد. در واقع جهاد تبیین، سطح بینش و دانش نظری شهروندان در مواجهه با حملات و اختلالات شناختی ایجاد شده را بهبود خواهد بخشید و ضمن مسئولیت‌پذیر ساختن شهروندان مانع از وقوع فروپاشی اجتماعی به‌عنوان هدف نهایی جنگ شناختی خواهد شد؛ بنابراین ضرورت دارد تا هم ابعاد، اهداف و تاکتیک‌های جرم‌شناختی به‌منظور فراهم کردن درک فراگیر از این پدیده در اذهان نخبگان فکری، ابزاری و همه آحاد جامعه مورد بررسی قرار گیرد و همچنین مؤلفه‌ها، قواعد، ابزارها و الزامات جهاد تبیین نیز به‌صورت علمی و روش‌مند شناسایی شود تا نسبت به برنامه‌ریزی دقیق در راستای اجرایی نمودن آن در همه سطوح اقدام کرد.

مبانی نظری پژوهش

علوم و فناوری‌های همگرای شناختی

فناوری‌های همگرا یکی از مقولاتی است که از ابتدای دهه ۲۰۰۰ میلادی در ادبیات دانشگاهی جوامع مختلف در دنیا رایج شده و صاحب‌نظران، پارادایم‌های جدید علمی را بر اساس همگرایی مجموعه‌ای از علوم برای پیشبرد یک مسئله می‌دانند. در یک تعریف کلی فناوری‌های همگرا را نظام‌های مبتنی بر دانش-فناوری تعریف کرده‌اند که برای دست‌یابی به هدفی مشترک به یکدیگر یاری می‌رسانند و ترکیب هم‌افزای آن‌ها می‌تواند به تحولی شگرف در حوزه‌ها و صنایع گوناگون منجر شود. بر اساس مطالعات در دسترس، دومین حوزه فناوری‌های همگرا که از ابتدای دهه ۲۰۰۰ میلادی در اتحادیه اروپا مطالعه بر روی آن آغاز شده است مجموعه «فناوری‌های همگرای شناختی» است که از ترکیب چند حوزه اصلی علم و فناوری نانو، فناوری زیستی و پزشکی (مهندسی ژنتیک)، فناوری اطلاعات، محاسبات و ارتباطات پیشرفته و علوم شناختی همانند اعصاب شناختی، علوم رایانه و هوش مصنوعی، روان‌شناسی شناختی و... شکل گرفته است. (روکو و بین بریج، ۱۳۹۱: ۱۷). این حوزه‌ها با پیشروی در مسیر پرشتاب پیشرفت‌های بی‌نظیر، در حال حرکت و نزدیک شدن به هم هستند و تمرکز آن‌ها بر جنبه‌های انسانی، نقش غالبی در شکل-دهی به مناسبات جامعه و حتی سیاست‌گذاری خواهد داشت. (آزادی احمدآبادی ۱۳۹۵: ۴۷-۴۶).

یکی از خطاهای اصلی در نگاه به پدیده جنگ شناختی، تحدید و تنزیل آن به سطح روان‌شناسی یا صرفاً جامعه‌شناسی مسئله است درحالی که مقوله جنگ شناختی در یک حوزه میان‌رشته‌ای و مبتنی بر مجموعه‌ای از فناوری‌های همگرا بنا شده است. از این منظر جنگ شناختی از علوم اعصاب شناختی محاسباتی برای تبیین پردازش اطلاعات مغز و اینکه سیگنال‌های الکترونیکی و مواد شیمیایی ما را قادر به دیدن، شنیدن، یادگیری، به‌خاطر آوردن و برنامه‌ریزی در جهت انجام اعمال خاص می‌کند بهره می‌گیرد. (Kriegeskorte and Mok, 2017: 42) از هوش مصنوعی در جهت تقلید و بازتولید ویژگی‌های هوش انسانی در ماشین یا رایانه و توانایی دست‌یافتن به کارایی در حد انسان در همه امور شناختی در جهت توضیح و شبیه‌سازی رفتار هوشمندانه استفاده می‌کند.

(Marblestone and other, 2016: 24) جنگ شناختی از علوم اعصاب شناختی برای کشف الگوریتم‌ها، چگونگی پردازش اطلاعات در سطوح مختلف مغز، چگونگی تصویرسازی از دانش و اطلاعات در ساختار مغز بهره می‌گیرد. جنگ شناختی از روان‌شناسی شناختی در جهت تبیین شناختی فرایندها و کارکردهای شناختی مبتنی بر داده‌های رفتاری در جهت ارزیابی سبک‌های اثربخش و غیراثربخش، توجه، تصمیم‌گیری، مسئله‌سازی، تفکر، ارزیابی و تشخیص شناختی، تحریف و فریب شناختی کمک می‌گیرد (Hunt and Ellis, 2006) و از جامعه‌شناسی شناختی به جهت مطالعه نحوه‌ی‌وارگی معناهای اجتماعی در مغز، ارتباط شناخت با مفاهیم جامعه (ساختارها، نهادها، نظام‌ها و...) صورت‌بندی مفاهیم فرهنگی جوامع و نحوه ساخته و پرداخته شدن فرایندهای فرهنگی و اجتماعی در اذهان فردی، جهت‌دهی به کنش‌های اجتماعی، تشدید افراط-گرایی، تغییر هویت اجتماعی و... استفاده مناسب را خواهد برد. (Zerubavel, 2019).

جنگ شناختی

بر اساس دسته‌بندی‌های رایج از نسل‌های مختلف جنگ، در یک نگاه کلی و کلان می‌توان گفت که بشر تاکنون پنج نسل از انواع جنگ‌ها را پشت سر گذاشته است. نسل اول جنگ‌ها را می‌توان جنگ‌های نبردهای تن‌به‌تن برای بقا فرد یا قبیله نامید که وسایل و ادوات جنگی ساده همانند شمشیر، نیزه و... در آن‌ها به کار گرفته می‌شد. نسل دوم جنگ‌ها عموماً با اختراع آتش و باروت شناخته می‌شود و اختراع باروت تحول عمده‌ای در نحوه جنگ، تاکتیک‌ها و آرایش‌های جنگی به وجود می‌آورد و به کارگیری تفنگ‌های سر پر (بدون خان)، اتخاذ تاکتیک حرکت به صورت صف و ستون، عدم وجود ادوات و ابزار جنگی مکانیزه، انضباط شدید حاکم بر صحنه رزم از ویژگی عمده نسل دوم از جنگ‌هاست. نسل سوم جنگ‌ها با پدیدار شدن و تأثیرگذار بودن آتش توپخانه و هواپیماها و هواگردها در صحنه جغرافیای نبرد متمایز می‌شود. افزایش فاصله خطوط مقدم طرفین در نبرد نسبت به نسل‌های قبلی به دلیل تولید سلاح‌های منحنی زن، بمباران تجهیزات و زیرساخت‌های حیاتی طرف مقابل و حتی کشیده شدن جنگ به غیرنظامیان از مشخصه‌های این دوره از جنگ‌ها به شمار می‌آید. نسل چهارم جنگ‌ها نسلی است که در آن فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات نقش بسزایی دارند. این نسل از جنگ‌ها فناوری محور بوده و اتکای کمتری

به سازمان‌های انسانی متراکم دارد از دیگر مشخصه این دوره از جنگ‌ها می‌توان به تولید مهمات هوشمند جهت انهدام اهداف با افزایش ضریب تلفات وارده بر دشمن، به‌کارگیری فناوری تجهیزات روباتیک و بدون سرنشین جهت جمع‌آوری، پردازش اطلاعات و اجرای عملیات‌های تهاجمی اشاره کرد (حیدری، ۱۳۹۰: ۲۹-۱۱). نسل پنجم جنگ‌ها را می‌توان نسل جنگ‌های ادراکی-اطلاعاتی و یا به عبارت بهتر جنگ شناختی^۱ نامید (منزوی ۱۳۸۸: ۲۵) که برخلاف ادوار قبلی جنگ، سوخت اصلی آن دستیابی و انتشار اطلاعات در بستر رسانه است (سلاح سازی اطلاعات) و نسبت به دوره‌های قبلی جنگ، دارای شمولیت و فراگیری است و می‌توان گفت که همه افراد یک جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

شناخت، واژه‌ای فارسی و مترادف با مفاهیم و واژگانی چون آگاهی، ادراک و معرفت است که این واژه بیشتر در حوزه روان‌شناسی شناختی کاربرد دارد. در ترکیب با جنگ شناختی دربرگیرنده دو حوزه متفاوت است. حوزه اول شامل مدل‌های شناختی است که بر فرایندهای شناختی، ادراک و باورهای فردی تأکید دارد و می‌توان از توانایی‌های شناختی برای غلبه بر محدودیت افراد در برخورد با مسائل و تصمیم‌گیری‌ها و کاهش تنگناها استفاده کرد. از این منظر، حفظ سیستمی باورها غالباً به سوگیری شناختی در تفسیر اطلاعات می‌انجامد. برای مثال اطلاعات آمیخته با عواطف و احساسات، اعتبار و ماندگاری بیشتری نسبت به اطلاعات فاقد این ویژگی دارند، یا اطلاعاتی که با باورهای موجود ناسازگار باشند در معرض تحریف، تغییر یا فراموشی قرار دارند. کاربرد دوم واژه شناخت در حوزه روان‌شناسی شناختی، مربوط به پویایی‌های گروهی است. در این زمینه فرض بر این است که فشارهای درون‌گروهی می‌تواند تفسیر اطلاعات را دچار سوگیری کند و انتخاب‌های فرد را تحت تأثیر قرار دهد. آنچه در این زمینه اهمیت دارد، مدیریت ادراک فرد به‌عنوان عضوی از گروه است (جلی و حسینی، ۱۳۸۹: ۲۳۶-۲۳۵).

پیشرفت‌ها و نوآوری‌ها در خصوص تاکتیک‌ها و ابزارهای جنگی سبب شده است تا طرفین یک منازعه و تخاصم ضمن دوری از مواجهه مستقیم، باهدف کاهش هزینه‌ها و خسارات در تقابل‌های احتمالی، متغیرهای جدیدی را به عرصه رقابت و کشمکش وارد نمایند. با گسترش و فراگیر شدن

1 Cognitive warfare

اینترنت و با تکامل تلفن همراه، رایانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، مفاهیم، ابزارها و تاکتیک‌های جنگی نیز متحول شده و اشکال مختلفی از جنگ شامل جنگ روانی، جنگ اطلاعاتی، جنگ الکترونیک و جنگ سایبری به‌عنوان نمونه‌های جدید از جنگ وارد ادبیات سیاسی-نظامی کشورها و ملت‌ها شده است. وجه تمایز این اشکال جدید از جنگ با ادوار گذشته خود، استفاده از فناوری دیجیتال و دانش پایه بودن آن‌هاست و نکته حائز اهمیت آن است که مقوله جدید جنگ شناختی از همه از تکنیک‌ها و ظرفیت‌های جنگ‌های روانی، اطلاعاتی، الکترونیکی و سایبری در جهت دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کند که امروزه خود، تبدیل به نوع مستقلی از انواع جنگ شده است. (رودخانی و روحی، ۱۴۰۱: ۲۱).

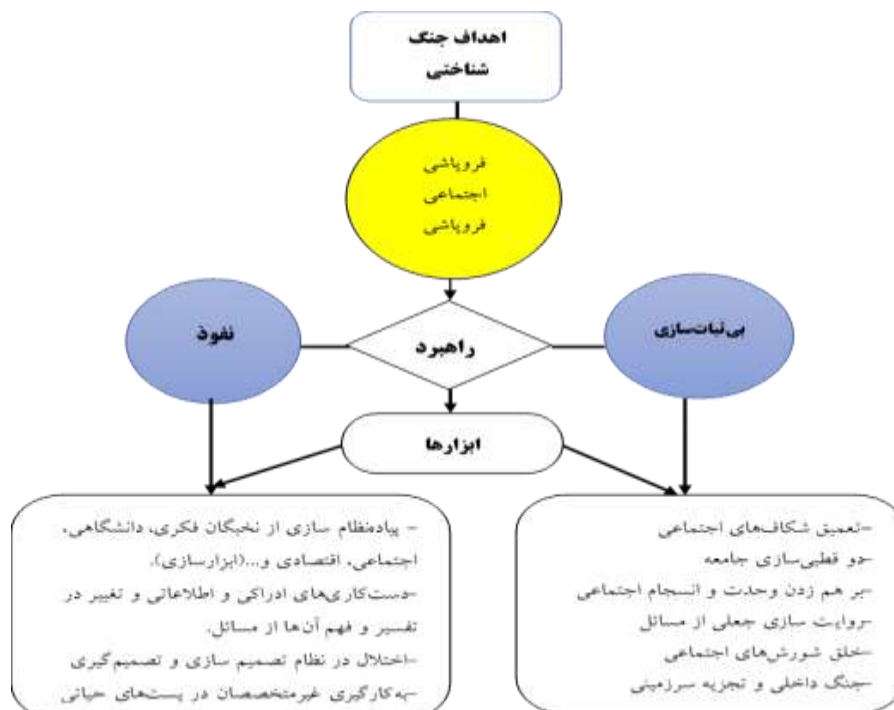
جنگ روانی مبتنی بر تلاش نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده برای تخریب یا تضعیف روحیه حریف یا دشمن است که با تکنیک‌هایی نظیر شایعه‌سازی، تبلیغات هدفمند، برجسب‌زنی، اهریمن‌سازی، ترور شخصیت و تفرقه‌افکنی به‌پیش می‌رود. جنگ اطلاعاتی هم در پنج مرحله شامل نفوذ، بهره‌برداری، تخریب اطلاعات، انهدام سامانه‌های اطلاعاتی و انهدام زیرساخت‌های حیاتی و حساس، انجام می‌شود. ویروس‌ها و بدافزارها، کرم‌های رایانه‌ای، اسب تروآ، تخریب چیست‌ها، اختلالات الکترونیکی، میکروپ‌ها و بمب منطقی یا زمانی از ابزارهای جنگ اطلاعاتی به‌شمار می‌روند (صدوقی، ۱۳۸۱: ۱۳۶). جنگ الکترونیک که مقدمه جنگ سایبری است مجموعه تکنیک‌هایی است که منجر به ساخت تجهیزات با توانایی ردیابی، جستجو، شناسایی، پارازیت‌سازی و مقابله الکترونیک می‌شوند (رودخانی و روحی، ۱۴۰۱: ۲۵). جنگ سایبری هم که در جهانی مصنوعی و مبتنی بر واقعیت مجازی است باهدف اختلال در نظام اقتصادی، اختلال در زیرساخت‌ها، افشای مسائل خصوصی، اختلال در شبکه‌های رایانه‌ای، خرابکاری، جاسوسی و حملات غافلگیرکننده با استفاده از انواع بدافزارها و فیشینگ‌ها علیه اهداف یک کشور به‌کارگیری می‌شود.

در یک نگاه کلان می‌توان گفت که جنگ شناختی به معنای هدف قراردادن قوه شناخت و اثرگذاری بر نگرش‌ها، باورها، عقاید، اهداف و ارزش‌های جامعه هدف از طریق مدیریت ادراک به‌منظور ایجاد تغییر در مخاطبان تا مرز همسو شدن آن‌ها با اهداف تعریف شده و دستیابی به منافع

موردنظر است. در جنگ شناختی به جای اینکه مخاطب با تهییج احساسات و عواطف، به یک باره و فوری وادار به واکنش شود، در فرایندی مدیریت شده قرار می‌گیرد تا نگرش وی نسبت به مسائل اساسی نظیر اعتقادات و باورها، خانواده، مناسبات اجتماعی و سیاسی، الگوی رفتاری، شیوه زندگی و ایده حاکمیت به صورت کاملاً نامحسوس و خزنده تحت تأثیر قرار گیرد (گرچی اندرزبانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۷). از منظر سطوح شناسی، جنگ شناختی دارای سه سطح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی یا راهکاری است که این سه سطح با توجه به دامنه، عمق، اهمیت و اثرگذاری در جامعه هدف از هم متمایز می‌شوند. سطح راهبردی، تصمیمات کلی اختصاص دادن منابع برای تحقق اهداف است، درحالی که تاکتیک در رابطه با به حرکت درآوردن این منابع و به اجرا گذاشتن آنهاست. در سطح عملیاتی بیشتر تأکید بر منافع فعلی سازمان است و محدودیت زمانی مشخصی دارد؛ نظیر برنامه‌های عملیاتی یک‌ساله، درحالی که در برنامه‌ریزی راهبردی، به منافع آتی نیز توجه می‌شود. (جلیلی و حسینی، ۱۳۸۹: ۱۸۱).

اهداف اصلی این مدل از جنگ، فروپاشی اجتماعی یک جامعه، فروپاشی ساختاری یک نظام سیاسی و در نهایت فروپاشی سرزمینی یک کشور است که از طریق دو راهبرد اصلی، بی‌ثبات‌سازی و نفوذ در جامعه هدف پیگیری می‌شود. بی‌ثبات‌سازی به منظور بروز اختلال در سازمان، کاهش بهره‌وری و ازین‌بردن همکاری و اتحاد مردم و دولت انجام می‌شود و نفوذ نیز به جهت اثرگذاری از طریق دست‌کاری در تفسیر و آگاهی از جهان پیرامون است. (سلطانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۶۰-۱۵۷). راهبرد نفوذ از طریق راهبرد همراه سازی نخبگان فکری و ابزاری، به‌کارگیری غیرمتخصصان در پست‌های حساس، اختلال در نظام تصمیم‌گیری، تنظیم اقدامات دولت و... پیگیری می‌شود و در مقابل راهبرد بی‌ثبات‌سازی هم از طریق راهبردهایی همانند افزایش قطبی‌سازی جامعه، برجسته‌سازی اختلافات و گسست‌های اجتماعی، مشروعیت‌زدایی از نظام سیاسی، فراهم کردن بی‌ثبات‌سازی اجتماعی و سیاسی و... دنبال می‌شود. (Bernal and other, 2020) در شکل شماره ۱ و در یک نمای شماتیک اهداف جنگ شناختی، راهبردها و ابزارهای آن برگرفته از ادبیات پژوهش ترسیم شده است.

شکل شماره ۲: نمای شماتیک اهداف جنگ شناختی، راهبردها و ابزارهای آن



تکنیک‌های جنگ شناختی در دو حیطه ایجابی و سلبی قابل‌دسته‌بندی است. برجسته‌سازی، کم‌رنگ‌نمایی، تحریک احساسات و عواطف، فرینه‌سازی، پاره حقیقت‌گویی، انسانیت‌زدایی، اهریمن‌سازی و برجسب‌زنی برخی از تکنیک‌های جنگ شناختی به شمار می‌رود همچنین، مشروعیت‌زدایی، اعتبار‌زدایی، اعتماد‌زدایی، قداست‌زدایی، ناامیدسازی و ناکارآمدسازی از دیگر تکنیک‌های مؤثر در جنگ شناختی است. به‌کارگیری این ابزارها سبب روی‌گردانی اجتماعی مردم از حاکمیت و ازبین‌رفتن سرمایه اجتماعی نظام حاکم می‌شود. در این جنگ، اعتقادات، باورها، پیش‌ها، نگرش‌ها و رفتار حاکمان، نخبگان و توده جامعه، هدف قرار می‌گیرد. در جنگ شناختی، مدیریت ادراک صورت می‌گیرد که ترکیبی از طراحی، عملیات امنیتی - اطلاعاتی، پوشش، فریب، القاء و عملیات روانی است که به تغییر و دست‌کاری شناخت جامعه هدف نسبت به نظام سیاسی منجر می‌شود. (Claverie and other, 2021: 32). ازین‌بردن

سرمایه‌های اجتماعی و معنوی که سال‌ها با نظام هدف همراه و هم‌دل بوده‌اند، یکی از ویژگی‌های این جنگ است. پیروزی در جنگ شناختی، توانایی اثرگذاری بر رفتارهای جامعه را در دسترس قرار می‌دهد و در میان مدت و بلندمدت، نگرش‌ها و رفتارهای تغییر یافته و دگر دیس شده را نهادینه می‌کند. (راجی و افتخاری، ۱۳۹۸: ۸۶).

زمان شروع این جنگ برخلاف اشکال کلاسیک جنگ‌های گذشته نامشخص و از پیش تعیین نشده است و در صورت غفلت یک جامعه و نظام سیاسی از توانمندسازی شهروندان خود، پایان آن با فروپاشی وحدت اجتماعی، شکل‌گیری یک جامعه آنومی شده و در نهایت فروپاشی ساختاری و سرزمینی رقم خواهد خورد. در دوره‌های قبلی جنگ، افرادی که از یک جامعه و کشور در مقابل دشمن قرار می‌گرفتند و مانع از پیشروی و تسلط بر جغرافیای سرزمینی خود می‌شدند قهرمانان اسطوره‌ای بودند که همچنان قابل تمجید و ستایش هستند و زخمی‌های جنگ ایثارگر به شمار می‌آیند؛ اما قربانیان جنگ شناختی، بدون استثناء افرادی از دل یک جامعه هستند که در دام یک فرایند فریب شناختی دشمن، دل‌بستگی‌ها و وابستگی‌های ملی، هویتی، سرزمینی و اعتقادی خود را ازدست‌داده و به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه به دنبال به زیر سؤال بردن همه الگوها، هنجارها، نمادها و پیشران‌های وحدت ساز اجتماعی و به تعبیری «مای جمعی» هستند تا زمینه فروپاشی از درون یک جامعه را فراهم سازند. در واقع پروژه فروپاشی از درون با در نظر گرفتن اهدافی همانند جدا کردن بدنه اجتماعی و توده‌ها از حکومت، ایجاد فضای بی‌اعتمادی عمومی نسبت به حاکمیت، گسترش بی‌اعتمادی و تشدید نارضایتی‌ها و... در راستای عدم نیاز به عملیات نظامی پرهزینه و فاقد توجیه راهبری می‌شود. (فرامرزیانی، ۱۴۰۱: ۱۱۹) زخمی‌های جنگ شناختی بدون جراحت و شاد و خندان هستند و در بسیاری از موارد با روایت‌سازی‌های کاذب امپراتوری-های رسانه‌ای، از آن‌ها «قهرمان‌های دروغین و پوشالی» ساخته شده و برای دیگران الگوپردازی می‌شوند در حالی که بازیچه دست شیادان رسانه‌ای هستند. با وجود آنکه همه کشورها می‌توانند به نوعی در معرض این نوع از تهدیدات قرار گیرند؛ اما نظام سلطه به علت در اختیار داشتن تشکیلات (مؤسسات علمی-پژوهشی)، امکانات و نیروی انسانی، ابزارهای پیشرفته ارتباطی و... این شکل جدید از جنگ را علیه حاکمیت‌ها و ملت‌های دیگر به کار گرفته و با وجود فناوری‌های

نوظهور و رسانه‌های نوین ارتباطی توانسته است ابعاد آن را گسترده‌تر و اشکال آن را پیچیده‌تر نماید. (لطیفیان، کریم و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۴).

بر اساس ادبیات نظری پژوهش می‌توان الگوی مفهومی جنگ شناختی را در نمای شماتیک زیر مشاهده کرد.

شکل شماره ۳: الگوی مفهومی جنگ شناختی (برگرفته از ادبیات نظری پژوهش)



پیشینه پژوهش

بررسی‌ها پیشینه‌ها و محتوای تولیدشده علمی در خصوص موضوع بیانگر آن است که آثار موجود در خصوص جهاد تبیین و جنگ شناختی در دو گروه قابل دسته‌بندی است. دسته اول آثار و محتوایی است که عمدتاً به بررسی مسئله جهاد تبیین پرداخته‌اند. دسته دوم آثار تولیدشده و در دسترس آثاری هستند که به نحوی سعی دارند تا بین مقوله جنگ شناختی و مسئله تبیین ارتباط برقرار سازند. در جدول شماره یک به این آثار اشاره شده است.

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش

موضوع اصلی	عنوان اثر	قالب اثر	سال	نام نویسنده	
جهاد تبیین	جهاد تبیین در عرصه دستاوردهای اعتقادی انقلاب اسلامی با رویکردی بر قرآن کریم و حدیث	پایان‌نامه کارشناسی ارشد	۱۴۰۱	خدادوست	۱
جهاد تبیین	مؤلفه‌های سیاسی جهاد تبیین بر اساس نهج‌البلاغه	پایان‌نامه کارشناسی ارشد	۱۴۰۱	امیری	۲
جهاد تبیین	بررسی جهاد تبیین در فضای مجازی از منظر رهبر انقلاب	مقاله کنفرانسی	۱۴۰۱	محمودی و صادقی	۳
جهاد تبیین	جهاد تبیین در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای	کتاب	۱۴۰۱	صلح میرزایی	۴
جهاد تبیین	بررسی بیانات مقام معظم رهبری پیرامون تبیین و روشنگری	کتاب	۱۴۰۰	عباسی و خاکی رنگین	۵
جهاد تبیین و جنگ شناختی	بررسی و تحلیل راهبرد جهاد تبیین در مقابله با جنگ شناختی دشمن از منظر آموزه‌های دینی	پایان‌نامه کارشناسی ارشد	۱۴۰۱	مرادی	۶
جهاد تبیین و جنگ شناختی	تأثیر جهاد تبیین بر مقابله با جنگ شناختی با رویکرد تاریخی در سیره امیرالمؤمنین علیه‌السلام	پایان‌نامه کارشناسی ارشد	۱۴۰۱	افشاری	۷

وجه تمایز این پژوهش نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده بررسی مسئله جهاد تبیین به منزله آنتی‌تز جنگ شناختی در چارچوب بیانات و رهنمودهای مقام معظم رهبری است و علاوه بر ترسیم الگوی مفهومی جنگ شناختی، الگوی پایه‌ای جهاد تبیین نیز ترسیم شده است. مزیت دیگر این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های هم‌راستا ارائه پیشنهادت راهبردی در سطح اجتماعی به جهت مقابله با جنگ شناختی است.

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد کلی این پژوهش از نوع اکتشافی بوده که با استفاده از روش تحلیل محتوا، باهدف اکتشاف در متون از مجموعه بیانات رهبری معظم انقلاب متناسب با مقوله جهاد تبیین بهره‌برداری شده است. ابزار اصلی کار برای یافتن مقولات مرتبط با جهاد تبیین از منظر رهبری معظم انقلاب اسنادی است به این معنی که برای استخراج مفاهیم و گزاره‌ها و ترسیم الگو پایه‌ای جهاد تبیین به بیانات ایشان ارجاع داده می‌شود. عمده الگوهای نگارش اطلاعات از نوع نقل قول غیرمستقیم بوده بدین گونه که بیان عبارات و جملات با زبان پژوهشگر و با حفظ اصل پیام متن انجام شده است. تفسیر یافته‌ها نیز بر اساس ارائه الگو بوده بدین صورت که ترکیبی شماتیک و ارائه مینیاتوری از واقعیت در بخش پایانی تحلیل داده‌ها آورده شده که کاربرد آن نمایش شمای اصلی از دل داده‌ها و ساده‌سازی موضوع برای مخاطبان است. (قاسمی، ۱۴۰۰: ۲۱۵-۲۱۳).

یافته‌های پژوهش

در ادبیات رایج غربی یکی از راه‌های مقابله با جنگ شناختی، توانمندسازی شناختی شهروندان یک کشور یا بالابردن میزان آمادگی‌های شناختی و ارتقای سطح شناختی آن‌هاست. در ادبیات بومی ایرانی-اسلامی که پرچم‌دار گفتمان‌سازی آن شخص رهبری معظم انقلاب است از راهکار مقابله با جنگ شناختی دشمن و در واقع آنتی‌تز آن تحت عنوان «جهاد تبیین» یاد شده است. در ادامه پس از بررسی مبانی مفهومی و نظری جهاد تبیین در منظومه فکری و اندیشه‌ای رهبری معظم انقلاب، نسبت به ارائه الگوی پایه‌ای آن در مقابله با جنگ شناختی اقدام شده است.

معناشناسی «جهاد» و «تبیین»

«جهاد» در لغت به معنای تلاش و کوشش جدی به عمل آوردن است. گرچه جهاد کردن در سایر عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و... نیز به کار می‌رود، اما جهادی که در اسلام مطرح شده، تلاش و کوشش جدی در برابر دشمن همانند جهاد نظامی و جهاد در میدان رزم است. زمانی که ابهام و تردیدی در برخی اذهان در مباحث معرفتی ایجاد شده و شرایط برای تحریف مسائل و وارونه جلوه دادن حقایق توسط مخالفان فراهم شده است بیان حقیقت ممکن است فرد را متحمل هزینه معنوی و حیثیتی سازد و شجاعت و صراحت در اعلان مواضع برای او هزینه‌ساز خواهد بود. تبیین حقایق در چنین شرایطی با علم و آگاهی از هزینه‌های آن در ردیف اعمال جهادگونه قرار می‌گیرد (صلح میرزایی، ۱۴۰۰: ۴۰-۲۸). واژه‌ی «تبیین» نیز به معنای روشنگری، بیان منطقی، مستدل و دور از هیاهو و جنجال حقایق است، چراکه مساله «تبیین» و بیان حقیقت، از عمده اهداف انبیاء الهی هم بوده است و قرآن کریم نیز در ضمن آیه ۵۳ سوره فصلت «سُرِّیْهِمْ آیَاتِنَا فِی الْأَفَاقِ وَفِی أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ یَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» هدف تبیین را نمایاندن حقیقت و نشان دادن چهره باطل ذکر کرده است. در آیات دیگر قرآن کریم نیز مسئله تبیین دارای اهمیت بسیار زیادی است که هم جنبه الهی و هم جنبه انسانی دارد. از دیگر آیات قرآنی که مبانی نظری مسئله تبیین را مورد تاکید قرار داده است می‌توان به آیه ۱۸۷ سوره آل عمران «لَتُبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ» آیه ۶۴ سوره نحل «وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ»، آیه ۱۸۷ سوره بقره «كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لِنَاسٍ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» آیه ۱۶۵ سوره نساء «لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ» و... اشاره کرد.

به کارگیری و ترکیب دو واژه «جهاد» و «تبیین» از سوی رهبری انقلاب، به صورت توأمان به معنای تلاش جهت مقابله با اهداف دشمن، به منظور جلوگیری از غبارآلوده کردن و مسموع ساختن اذهان عامه یک جامعه است. در منظومه فکری و اندیشه‌ای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) جهاد تبیین به معنای آغاز تحولی بنیادین و متمایز از حرکت‌های قبل است و این تحول باید از جهت «کمیت و مقدار» و «کیفیت و شیوه» هم مورد توجه باشد. جهاد تبیین اقدامی

جهادی با مسیر و روشی مشخص است و در این برهه زمانی که جامعه مورد حمله جنگ شناختی قرار می‌گیرد نباید به روال سابق عملکرد و باید به صورت جهادی و انقلابی در مسیر کشف حقایق در مقابل ابهام‌آفرینی‌های دشمنان گام برداشت.

قواعد پایه‌ای جهاد تبیین

مخاطب اصلی عمل تبیینی، افراد یک جامعه انسانی ناهمگون با برخورداری از ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد هستند؛ بنابراین توجه به ابعاد و قوانین روان‌شناسی اجتماعی می‌تواند زمینه را برای به سرانجام رساندن مطلوب مسئله جهاد تبیین فراهم کند. سیری در منظومه فکری و اندیشه‌ای رهبری معظم انقلاب بیانگر آن است که انجام امور تبیینی همانند سایر مسائل از دیدگاه ایشان از قواعد و مقررات پایه‌ای تبعیت می‌کند و توجه به این قواعد پایه‌ای که می‌توان از آن‌ها به گرانگه‌های اصلی جهاد تبیین هم یاد کرد که لازم است به عنوان قواعد مبنایی، قبل از انجام هر عمل آن‌ها را مدنظر قرارداد. تعدادی از مهم‌ترین قواعد پایه‌ای جهاد تبیین را می‌توان به شرح زیر برشمرد.

- اولین قاعده پایه‌ای جهاد تبیین بحث پرداختن به ضرورت انجام آن است که تبیین‌گر لازم است به چرایی مهم بودن مسئله عمل تبیینی خود و علت پرداختن به این امر واقف باشد (ضرورت‌شناسی).
- قاعده دوم در این حوزه مسئله موضوع‌شناسی و شناخت اولویت‌هاست بدین معنا که در زمان و مکانی که تبیین‌گر قرار می‌گیرد متناسب با نیاز مخاطبان چه موضوعاتی را به عنوان سرلوحه کار خود در حوزه تبیین قرار دهد.
- قاعده سوم دشمن‌شناسی است بدین معنا که تبیین‌گر به این درک و فهم از مسائل رسیده باشد که دشمن چه کسی است و برای پیشبرد جنگ شناختی خود چه راهبردهایی در پیش گرفته است (جمشیدی، ۱۴۰۱).

- قاعده چهارم در این حوزه مخاطب‌شناسی است و اینکه مخاطبان عمل تبیینی که قرار است برای آن‌ها تبیین انجام شود دربرگیرنده چه طیفی از افراد جامعه است و مسائل فکری و عقیده‌ای موردنیاز آن‌ها برای تبیین کردن دربرگیرنده چه مسائلی است.
- قاعده پنجم در برپایی جهاد تبیین فرصت‌شناسی و اثرشناسی در عمل تبیینی است بدین معنا که تبیین هوشمندانه چیست و چگونه این عمل به جذب حداکثری مخاطب یا مخاطبان می‌انجامد.
- قاعده پایه‌ای ششم نیز در جهاد تبیین منطق‌شناسی و قاعده‌شناسی است؛ یعنی تبیین‌گر بتواند شیوه‌های منطقی و روشی و الزامات چگونه تبیین کردن را آموخته باشد.

الزامات جهاد تبیین

در شرایطی که اصول، مبانی و ارزش‌های فکری یک جامعه مورد تهاجم فراگیر و همه‌جانبه نیروهای مهاجم که عمدتاً نامرئی هستند قرار بگیرد جهاد تبیین به‌عنوان یک تکلیف و فریضه فوری برای مقابله با آن، لازم است به یک دستور کار همگانی تبدیل شود. جهاد تبیین برای کارآمد بودن نیازمند یک نقشه راه و تبعیت از یک سری از قواعد و الزاماتی است که سعی شده است با بهره‌گیری از بیانات رهبری معظم انقلاب به مهم‌ترین آن‌ها اشاره گردد:

- یکی از اصلی‌ترین الزامات جهاد تبیین هم‌راستایی حرکت تبیین‌گر با نقشه کلان انقلاب اسلامی است. حرکت کلان و چشم‌انداز مطلوب انقلاب اسلامی، دستیابی به تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی برای طلوع خورشید عظمای ولایت حضرت بقیه الله (عج) است (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)؛ بنابراین عنصر تبیین‌گر لازم است ضمن داشتن بینش تمدنی در راستای فرامین رهبر انقلاب و در جهت تکمیل نقشه‌ی کلان حرکت انقلاب اسلامی، ضمن شناخت صحنه، داشتن جهت‌گیری مشخص و پیدا نمودن عامل و نقطه امیدبخش^۱ فعالیت تبیینی خود را به پیش برد (صلح میرزایی، ۱۴۰۰: ۹۱).
- دومین الزام در انجام جهاد تبیین و عنصر تبیین‌گر، رعایت اخلاق و قانون است. نظام فکری و اندیشه‌ای رهبری معظم انقلاب یک نظام و زیست مؤمنانه، اخلاق‌مدارانه و

۱ برگرفته از بیانات رهبری معظم انقلاب در دیدار با جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

عقلانیت محور است و رعایت تقوای الهی، ادب اسلامی، پرهیز از بدگویی و بدزبانی و تخریب، هم در فضای واقعی و هم در فضای مجازی و رعایت قانون^۱ (گرچه انتقادات منطقی هم به آن وارد باشد) از مطالبات جدی رهبری معظم انقلاب در پیشبرد مقوله جهاد تبیین است و عنصر تبیین گر هم ملزم است جهت حاصل شدن نتیجه مطلوب عمل جهادی خود، آن‌ها را رعایت نماید.

- سومین الزام جهاد تبیین، به هنگام بودن و به موقع بودن عمل تبیین همراه با مداومت و استمرار در انجام آن، جهت تأثیرگذار شدن این عمل بر روی مخاطب یا مخاطبان است. از آنجایی که زمان شروع جنگ شناختی مشخص نیست و طی یک فرایند طولانی و بدون توقف سعی در تغییر باورها، برداشتها، عقاید و بنیان‌های ذهنی شهروندان یک جامعه دارد لازم است ضمن پرهیز از نگاه شعاری و مقطعی، مقوله جهاد تبیین نیز به عنوان یک فرایند دائمی و مستمر در نظر گرفته شود؛ بنابراین به هنگام بودن عمل تبیینی، تصمیم و تشخیص خواص در وقت لازم^۲ در عین حال مداومت و تکرار عمل تا تبدیل شدن به یک گفتمان رایج^۳ از مطالبات رهبری معظم انقلاب است که لازم است هم‌نهادهای فرهنگی و هم‌جهادگران عرصه تبیین به آن‌ها توجه ویژه‌ای نمایند.

- چهارمین الزام جهاد تبیین را می‌توان علمی بودن، بهره‌گیری از منطق و استدلال و پرهیز و اجتناب از اغراق در بیان مسائل دانست. رویکرد مورد انتظار رهبری معظم انقلاب در مقوله جهاد تبیین مطلوب که خشتی‌کننده جنگ شناختی دشمن است بهره‌گیری از یک حرکت عمومی معقول و منضبط، صحیح، منظم و عقلانی است^۴ که لازمه پیشبرد آن نگاه علمی و منطقی و بدون اغراق با قبول واقعیت‌ها و نارسایی‌ها و پرهیز از خلاف واقع‌گویی‌هاست^۵. نگاه احساسی، بیان غیرعلمی و گفتار اغراق‌گونه در مسئله جهاد

۱ برگرفته از بیانات رهبری معظم انقلاب در دیدار با کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۸/۱۱ و خطبه نماز عید فطر ۱۳۹۶/۴/۵

۲ بیانات رهبری معظم انقلاب در دیدار با مردم قم ۱۳۹۵/۱۰/۱۹

۳ بیانات رهبری معظم انقلاب در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۶/۶/۳۰

۴ برگرفته از بیانات رهبری معظم انقلاب در دیدار با جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

۵ برگرفته از بیانات رهبری معظم انقلاب در دیدار با اعضای ستاد کنگره شهدای استان کهگیلویه و بویراحمد و

خراسان شمالی ۱۳۹۵/۷/۵

تبیین و مواجهه با پرسشگری مخاطبان، یکی از آسیب‌هایی است که بی‌توجهی به آن می‌تواند ضمن تبدیل شدن به یک مسئله ضدارزش و هزینه‌ساز، خسارت معنوی بسیاری به بار آورد.

- پنجمین الزام جهاد تبیین، توجه به نوآوری و بهره‌گیری از مقوله هنر و ابزار مناسب^۱ در این مسیر است. تغییر و تحول رفتاری و کنشی یکی از ویژگی‌های مخاطبان به‌خصوص جوانانی است که با آخرین فناوری‌ها و دستاوردهای علمی روز دنیا آشنایی دارند. بهره‌گیری از قالب‌های سنتی بدون در نظر گرفتن ذائقه تحول‌خواهی این قشر از مخاطبان، چه در بیان کلامی و چه در عرصه فعالیت‌های رسانه‌ای و هنری نمی‌تواند سبب جذب آن‌ها و همراهی با عنصر تبیین‌گر گردد. لازم است در عرصه تبیینی در حوزه‌های مختلف به نوآوری و خلاقیت در عین بهره‌گیری از ابزار هنر و ظرافت رسانه‌ای به یک اصل تبدیل گردد مسئله‌ای که از دید و نگاه جامع رهبری معظم انقلاب در مقوله پیشبرد جهاد تبیین مغفول نمانده است.

- از دیگر الزامات موفقیت‌آمیز و مطلوب بودن جهاد تبیین می‌توان به ضرورت وحدت‌آفرینی و امیدآفرینی این مسئله، شجاعت و صراحت در بیان و اجتناب از افتادن در دام مصلحت‌گرایی، انجام عمل تبیینی به‌دوراز هیاهو و جنجال و پیشبرد هوشمندانه تبیین و... است. (صلح میرزایی، ۱۴۰۰: ۱۳۹-۱۳۳). در مجموع می‌توان گفت که عمل تبیینی یک فعل هوشمندانه است که نیازمند الزامات و حتی مهارت‌هایی در سطح روان‌شناسی شناختی و جامعه‌شناسی شناختی است و شخص تبیین‌گر لازم است نسبت به رعایت آن‌ها جهت تعالی‌بخشی به فعالیت‌های خود این مسائل را در دستور کار عمل تبیینی قرار دهد.

روش‌های جهاد تبیین در مقابله با جنگ شناختی

جنگ شناختی یک نبرد هوشمندانه و شرافتمندانه است و از روش‌ها و ابزارهای متنوعی برای تأثیرگذاری بر مخاطبان خود بهره می‌گیرد. مقابله با این جنگ از طریق جهاد تبیین در حوزه روان‌شناسی شناختی و جامعه‌شناسی شناختی نیازمند انتخاب روش‌ها و

۱ بر گرفته از بیانات رهبری در جمع اساتید و کارکنان دانشگاه فرهنگیان ۱۳۹۷/۱۲/۱۹

به کارگیری راهبردهای مناسب است که با تحلیل محتوای بیانات رهبری معظم انقلاب گزاره‌های در خصوص انتخاب روش‌های مناسب جهاد تبیین استخراج و ذکر شده است.

- اولین مسئله مهم در روش‌شناسی جهاد تبیین، روایت‌سازی اول یا تبیین نخستین است. روایت‌سازی جعلی یا جعل روایت در رسانه‌های ارتباطی نوین مهم‌ترین بعد از ابعاد جنگ شناختی است کما اینکه روایت‌سازی جعلی از نظریات افرادی چون ژان بودریار و نظریه «حاد واقعیت»^۱ او اقتباس شده است که سعی در بیان جابه‌جایی جایگاه حقیقت و مجاز یا واقعیت و غیرواقعیت داشته است. از نظر بودریار واقعیت‌های حاد، نسخه‌های بدلی هستند که آن‌قدر به اصل خود شبیه هستند که اصل در برابر آن‌ها بی‌اهمیت می‌شود یا اهمیت خود را به کل ازدست‌داده یا تغییر شکل و معنا می‌یابد. او حاد واقعی را امری به‌غایت شبیه امر واقعی، بلکه عین امر واقعی و تسخیرکننده جایگاه آن می‌داند؛ به‌طوری که حاد واقعی غیب و نبود امر واقعی را پنهان می‌سازد. در این حالت، حاد واقعی، واقعی‌تر از امر واقعی می‌شود. البته حاد واقعی، نه تنها جای امر واقعی را می‌گیرد، بلکه هیچ ربطی هم بدان ندارد؛ یعنی رونوشتی از امر واقعی نیست و حتی بدل ظریف و واقع‌نمای آن هم نیست. (بودریار، ۱۳۸۷: ۳۵-۳۰). به همین دلیل است که صاحب‌نظران جنگ آینده را جنگ روایت‌ها نام‌گذاری کرده‌اند. از این منظر، برنده آینده این جنگ کسی است که با بهره‌گیری از ابزار رسانه و هنرمندی‌های آن بتواند سریع‌ترین روایت از مسئله برای مخاطبان خود تصویرسازی کند گرچه پابندی به اصول اخلاقی و روایت‌سازی صحیح نیز در منظومه زیست مؤمنانه باید مدنظر تبیین‌گر و متصدی رسانه‌ها باشد؛ اما بستگی به سواد رسانه و داشتن سرعت عمل، روایت‌سازی اول یا نخستین مهم‌ترین مسئله در امر جهاد تبیین به شمار می‌رود.

- دومین مسئله در روش‌شناسی جهاد تبیین بهره‌گیری از مؤلفه «تبیین ترکیبی» است. یکی از مختصات اصلی جنگ شناختی، ترکیبی عمل نمودن آن است به این معنا که مجموعه‌ای از اقدامات سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک، قضایی، جنگ نامنظم، تهدیدات

1 hyper- reality

نظامی، خرابکاری، جنگ رسانه‌ای، خلق شورش اجتماعی و... به صورت یک کل منسجم و به صورت هم‌زمان در جهت فروپاشی از درون نظام‌های اجتماعی و سیاسی توسط مجریان جنگ و مؤسسات پشتیبان آن‌ها هدایت می‌شود. (مقدم فر و آهویی، ۱۴۰۰: ۷۵-۵۰). همان‌گونه که جنگ شناختی از ترکیبی از عوامل استفاده می‌کند، مقابله با این هجمه سازمان‌یافته نیازمند تبیین ترکیبی است. تبیین ترکیبی ناظر بر بهره‌گیری از سازوکارهای مختلف همانند بهره‌مندی از فضاها واقعی و مجازی، هم‌زمانی روش‌های سنتی و جدید تبیین، تولید محتوا برای مخاطب خاص و عام، استفاده از روش‌های ادبی، هنری، علمی، برهانی و خطابی، تبیین شخصی، جریانی و سازمان‌یافته^۱ و... است.

- سومین مسئله در روش‌شناسی جهاد تبیین، «تبیین همگانی و روزآمد» است. در فرایند تبیین‌گری علاوه بر اینکه تبیین‌کننده باید از تبیین‌های سطحی و کم‌مایه اجتناب نماید و به تبیین‌های عمیق، فاخر و پرمایه دست زد لازم است ضمن پرهیز از نگاه انحصارگرایانه، با گفتمان‌سازی صحیح، جهاد تبیین را به‌عنوان یک مسئله همگانی قلمداد کند که همه آحاد جامعه و علی‌الخصوص نخبگان فکری و ابزاری در خصوص آن احساس تکلیف و مسئولیت نمایند. درعین حال لازم است نسبت به مسائل روز و نیازهای فکری مخاطبان شناخت عمیقی داشته باشد تا هم‌راستا با نیازهای آن‌ها به عمل تبیینی اقدام نماید.

آثار و ثمرات تبیین

همان‌گونه که اشاره شد اهداف جنگ شناختی دو هدف نفوذ و بی‌ثباتی به جهت فروپاشی از درون یک نظام اجتماعی و سیاسی است. تنها راه مقابله با هجمه روان‌شناسی شناختی و جامعه‌شناسی شناختی در جنگ شناختی، توانمندسازی شناختی یا بالابردن آمادگی شناختی شهروندان آن کشور است که در ادبیات بومی از آن تحت عنوان جهاد تبیین یا نهضت روشنگری

۱ برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری از دیدارهای ۱۳۹۶/۳/۱۷، ۱۳۹۱/۰۵/۱۶، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵، ۱۳۹۵/۴/۱۲ و

۱۳۹۶/۱۱/۳

یاد می‌شود. انجام فریضه تبیین در مقابله با جنگ شناختی آثار و ثمرات متعددی دارد که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

- یکی از مهم‌ترین آثار جهاد تبیین مقابله با مقوله «نفوذ» و «تحریف» است. نفوذ و تحریف دوروی یک سکه است و اگر چنانچه پدیده نفوذ در نظام اجتماعی و سیاسی به وقوع بپیوندد خط تحریف نیز به یاری آن خواهد آمد و بالعکس اگر خط تحریف و وارونه‌سازی حقایق قوت بگیرد راه را برای نفوذ فردی و جریان‌های فراهمی می‌کند. رهبری معظم انقلاب خط تحریف را به موازات خط تحریم دانسته و بر این باورند که اگر جریان تحریف شکست بخورد جریان تحریم نیز شکست خواهد خورد.^۱ شکست جریان تحریف نیز از طریق ارتباط با دستگاه منطقی جامعه، نیازشناسی مخاطب و برجسته ساختن واقعیت‌های تحریف‌شده و همچنین عمومی کردن مفاهیم صحیح و اصیل میسر است.
- دومین اثر و پیامد برجسته جهاد تبیین گفتمان‌سازی عمومی برای حفظ وحدت اجتماعی و جلوگیری از فعال‌شدن گسست‌های اجتماعی است. یکی از برنامه‌های اصلی جنگ شناختی در طی چند سال اخیر، تلاش برای انسداد باب گفتگو در بین طیف‌های مختلف جامعه ایرانی بوده است. هم‌زمان با فاصله گرفتن یک جامعه از گفتگو و مذاکره درون‌گفتمانی پیرامون مسائل اصلی و فرعی خود، زمینه برای بازتولید خشونت اجتماعی در صحنه خیابانی و مقاومت در برابر تصمیم‌های نظام سیاسی مهیا می‌شود و چرخه بحران و ناامنی جامعه را فرامی‌گیرد. جهاد تبیین فراگیر می‌تواند باب گفتگوی بین طیف‌های مختلف جامعه را فراهم کند و با اقناع‌سازی، زمینه را برای اجماع نظری در خصوص بسیاری از مسائل اجتماعی و حتی حاکمیتی مورد اختلاف فراهم نماید.
- سومین اثر و پیامد مهم جهاد تبیین را می‌توان آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی برای مخاطبان دانست. بصیرت و آگاهی یک جامعه پادزهر همه توطئه‌ها و نقشه‌های کلان دشمن است. به همین دلیل است که رهبری معظم انقلاب نیز وجود بصیرت را عامل تشخیص درست منافع ملی، ضامن پایداری در مقابل ناملایمات، شناخت حرکت

۱ برگرفته از بیانات رهبری معظم انقلاب به مناسبت عید قربان ۱۳۹۹/۵/۱

دشمن، شناخت درست راه^۱ و... می‌دانند. در یک جمع‌بندی می‌توان الگو و تصویر مطلوب جهاد تبیین را به شرح نمای شماتیک زیر نشان داد.

شکل شماره ۴: طراحی الگو و تصویر سازی مطلوب از جهاد تبیین (برگرفته از تحلیل داده‌های پژوهش)



۱ برگرفته از بیانات رهبری معظم انقلاب ۱۳۹۸/۸/۸، ۱۳۹۴/۸/۲۰، ۱۳۹۳/۹/۶

نتیجه گیری و پیشنهادها

گرایش مؤسسه‌های نظامی به موضوع «کنترل ذهن» پدیده جدیدی نیست. طبق اسناد برجای مانده از KGB (آژانس اصلی امنیتی اتحاد جماهیر شوروی)، در اواسط دهه ۱۹۸۰، حدود ۵۰ مؤسسه تحقیقاتی در این کشور، روی روش‌های کنترل ذهن از راه دور مطالعه و تحقیق می‌کردند که با بودجه هنگفت دولت حمایت می‌شدند. همچنین سایر اسناد محرمانه CIA مانند سند پروژه MKULTRA نشان می‌دهد که سازمان‌های جاسوسی و نظامی، علاقه زیادی به دستیابی به فناوری کنترل ذهن و سیطره بر سیستم شناختی انسان داشته‌اند و در دستیابی به این هدف از هیچ‌گونه آزمایشی علیه سوژه‌های انسانی دریغ نکردند. (محجوب و شکوری مغانی، ۱۴۰۱: ۱۵۹-۱۵۸) در ادبیات کلاسیک نظامی دنیا نیز تا دهه ۲۰۰۰ میلادی عرصه‌های درگیری در چهار حوزه زمین، دریا، هوا و فضا تعریف شده بود. در سال ۲۰۱۷ ارتش ایالات متحده آمریکا به صورت رسمی فضای سایبر و حوزه شناختی را به عنوان بعد پنجم جنگ به حوزه مأموریت خود اضافه کرده است. همچنین در یک دهه اخیر، بخش چشمگیری از بودجه سازمان‌های دفاعی، در حوزه‌های متعارف جنگ کاهش و به بخش علوم و فناوری‌های شناختی، اختصاص یافته است. از سال ۲۰۱۵ نیروهای پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز فعالیت‌های تحقیقاتی خود را در این حوزه شروع کرده و پروژه‌ای تحت عنوان «جنگ شناختی؛ نبردی برای تسخیر ذهن» را به سرانجام رسانده‌اند که در کنفرانس اوتاوا در سال ۲۰۲۱ در کانادا از آن در قالب کنفرانس «تهدید نامرئی؛ ابزارهایی برای مقابله با جنگ شناختی» رونمایی کردند. (سلطانی و همکاران ۱۴۰۱: ۱۶۵) روندهای توسعه علوم و فناوری‌های همگرا و همچنین، علایق و سرمایه‌گذاری‌های تحقیقاتی سازمان‌های تحقیقاتی نظامی دنیا در طی پنج سال اخیر در زمینه علوم و فناوری‌های شناختی، نشان می‌دهد که مغز/ ذهن انسان، میدان نبرد قرن جدید و عرصه شناختی، عرصه جدید جنگ خواهد بود. هدف اصلی این نسل از جنگ‌ها صرفاً آسیب رساندن به ارتش‌ها و زیرساخت‌های نظامی یک کشور نیست؛ بلکه تسخیر ذهن همه شهروندان و در اختیار گرفتن قوه شناخت آن‌ها از اهداف اصلی این جنگ است. (محجوب و شکوری مغانی، ۱۴۰۱: ۱۵۹-۱۵۸) مقابله با این جنگ در بعد

روان‌شناسی شناختی و جامعه‌شناسی شناختی، به روشنگری و عمل تبیینی برای افزایش سطح مهارت‌های شهروندان در جهت کاهش اثرپذیری و خنثی‌سازی اثرات آن نیاز دارد. در حوزه جامعه‌شناسی شناختی جامعه ایرانی نیازمند درپیش گرفتن اقداماتی است تا پس از یک دوره تجربه جنگ شناختی خسارت‌بار در جهت کاهش گسست‌های اجتماعی گام بردارد. از جمله مهم‌ترین اقدامات موردنیاز در حوزه جامعه‌شناسی شناختی هم‌راستا با جهاد تبیین می‌توان به اعتمادسازی بینا اجتماعی و بینا حاکمیتی، شفافیت در نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، حاکمیت قانون در همه سطوح، بهبود نظام سلامت اداری، ارتقای سطح سواد رسانه‌ای جامعه، فراهم‌ساختن فضای گفتگوی درون‌نخبگانی و حاکمیتی، اجرای اصل تعارض منافع در میان مسئولان، روایت‌سازی صحیح از پیشرفت‌ها و دستاوردهای کشور، باور به اصل شایسته‌سالاری و اجرای عادلانه آن، بازسازی سرمایه اجتماعی و هویتی در نسل جوان و... اشاره کرد.

فهرست منابع

Articles

- Abbasi, Karim; Khak Rangin, Ali (2021) Enlightenment: Examining the statements of the Supreme Leader regarding explanation and enlightenment. First edition, Tehran: Parnak
- Azadi Ahmadabadi, Qasim (2015), Converging Technologies: Science and Technology Interaction, Science and Technology Policy Quarterly, Volume 6, Number 4.
- Bernal, Alonso et al. (2020). Cognitive Warfare: An Attack on Truth and Thought. Innovation Hub, available in: <https://www.innovationhub-act.org/sites/default/files/2021-03/Cognitive%20Warfare.pdf>.
- Faramarziani, Saeed (2022) Future study of media persuasion of the achievements of the Islamic Revolution of Iran, scientific journal of the future study of the Islamic Revolution of Iran, third volume, number 4.
- Gurji Azandriani, Mehdi; Haji Abdulbaghi, Maryam; Yazdi, Mehdi; Homayoun, Mohammad Hadi (2019) "The main methods of strategic influence of the enemy in the religious system", Theology Quarterly, Vol. 52, Q. 13.
- Kriegeskorte, N. & Mok, R. M. (2017). Building machines that adapt and compute like brains. Behavioral and Brain Sciences, 40, 269. DOI:10.1017/S0140525X17000188.
- Lotfian Karimabadi, Ibrahim; Ghasemi, Nemat Elah; Baisarti, Mohammad Kazem, Rostami, Mohsen (2021) Observation of the satellite war strategies of the Sultanate system against the Islamic Republic of Iran (with emphasis on the impact on the future-making youth generation), Scientific Journal of Future Studies of the Islamic Revolution, Volume 2, Number 2, Series 5 .
- Mahjoub, Hassan; Shakuri Faghani, Saeed(2022) Modern cognitive warfare: from knowledge in combat to the arena of cognitive warfare, scientific quarterly of human resources studies, volume 12, number 20.
- Mahmoudi, Mohsen; Sadeghi, Salar (2022) Explanation Jihad in the virtual space from the perspective of the leader of the revolution. The third cyber defense conference.
- Raji, Mohammad Hadi and Eftekhari, Asghar, (2018) "The combined war of the West against the Islamic Republic of Iran", Journal of Defense Policy, Q. 28, No. 109.
- Roudkhani, Maitham and Rouhi, Majid (2022) "The position of cognitive war among modern wars", Political Strategy Quarterly, Q6, No. 21.
- Soltani, Farzad, Mohammadi Monfared, Hassan; Javadani Moghadam, Mehdi (2022) Examining the application of cognitive warfare in the operational field of NATO, Islamic Republic of Iran's Strategic Environmental Quarterly, Year 6, Number 4.

Books

- The Holy Quran.
- Baudrillard, Jean, (2088), in the shadow of the silent majorities, translation of Yazdan Jo's message, Tehran: Central Publishing.
- Claverie, Bernard & al. (2021). Cognitive Warfare: La guerre cognitive, Première réunion scientifique Cognitive Warfare, France: Bordeaux.
- Ghasemi, Mohammad (2021) Research Reference, Tehran, Publishing Organization of Documents and National Library of the Islamic Republic of Iran, first edition.
- Heydari, Kiyomarth, (2010) Future Wars, Tehran (Aja Publishing House).

- Hosseini Khamenei, Seyyed Ali (2017) Declaration of the Second Step of the Revolution, Ayatollah Khamenei Works Preservation and Publication Institute, Tehran, first edition.
- Hunt, R. R. & Ellis, H.C. (2006). Fundamentals of Cognitive Psychology. New Delhi: Tata-Jabali Kaveh and Alireza Hosseini (2009) War Studies: Concepts and Theories, Tehran, Imam Hossein University.
- Jamshidi, Mehdi (2022), Road Map of Jihad Explanation, Research Institute of Islamic Culture and Thought.
- Marblestone, A. H. Wayne, G. & Kording, K. P. (2016). Towards an integration of deep learning and neuroscience. Computational Neuroscience, 10, 94.
- Moghadamfar, Hamidreza and Mohseni Ahoyi, Ibrahim (2021), Cognitive War; The science of victory in the battle of the mind, Tehran, publisher; Tasnim News Agency
- Monzavi, Masoud (2008). cognitive warfare; The Fifth Dimension of War, Tehran, Institute of Defense and Future Research of Defense Industries.
- Rocco, Mihal C; and Bean Bridge, William Sims (2011). The role of convergent technologies in improving human performance. Translated by Alireza Farshchi and Mostafa Mehrvarzi, Tehran: Defense Industries Educational and Research Institute, Defense Science and Technology Future Research Center.
- Sadouqi, Murad Ali (2012) Information technology and national governance, Tehran, Ministry of Foreign Affairs.
- Solh Mirzaei, Saeed (2021) Explanation Jihad in the thought of Ayatollah Azami Khamenei. First edition, Tehran: Islamic Revolution.
- Zerubavel, E. (2019). The Oxford Handbook of Cognitive Sociology. Edited by Wayne H. Brekhus and Gabe Ignatow. New York: Oxford University Press.

Thesis

- Afshari, Ruqiyah (2021), The effect of explanation jihad on confronting the cognitive war with a historical approach in the biography of Amir al-Mu'minin, peace be upon him, master's thesis, University of Quranic and Atrat Studies, Faculty of Sciences and Quran Hadith.
- Amiri, Bahman (2021) The political components of jihad explanation based on Nahj al-Balagha. Master's thesis, Mashhad: University of Quranic Sciences and Sciences, School of Quranic Sciences.
- Khodadoost, Mohammad Mahdi (2021), Jihad explanation in the field of religious achievements of the Islamic Revolution with an approach to the Holy Quran and Hadith. Master's thesis, Maybod: Quranic Sciences and Education University, Faculty of Quranic Sciences.
- Moradi, Abbas; Farahani, Abbas. (2021) Investigating and analyzing the Jihad explanation strategy in dealing with the enemy's cognitive war from the perspective of religious teachings. Master's thesis, Tehran: University of Quranic Sciences and Sciences, School of Quranic Sciences.

Websites

- Statements of the Supreme Leader of the Revolution, Ayatollah Khamenei's Preservation and Publishing Office, available at <https://farsi.khamenei.ir>

